

دستاوردها و نارسائی‌های اعتراضات مردمی!

شباهنگ راد

سرمایه صدای همه را در آورده است و همه‌جا مردم به خیابان‌ها ریخته‌اند و از ادامه‌ی چنین وضعیتی ناراضی‌اند. قدرت و ناتوانی محرومان و ستم‌دیده‌گان از خرید پائین‌ترین اقلام زندگی به حداقل ممکنه رسیده است و میلیون‌ها انسان بدلیل طرح "ریاضت‌کنشی" امپریالیست‌ها به ارتش میلیونی بیکاران پیوسته‌اند. تاب و تحمل محرومان به سر رسیده است و در عوض دولت‌مردان کنونی هم‌چنان در پی تخریب زندگی انسان‌ها، چپاول و غارت سرمایه‌های مملکتی‌اند. تا چه زمان می‌توان به چنین وضعیتی ادامه داد و تا چه زمان می‌توان با فریب و ربا و با سرکوب، حاکمیت بناحق خویش را بر میلیاردها کارگر و زحمت‌کش و جوان سرتاسر جهان تحمیل نمود؟ مردم و جوانان به چه زبانی و به شکلی باید مخالفت خود را از سیستم و مناسبات کنونی اعلام نمایند و با کدامین تجمعات و تحرکات می‌بایست صدا و خواسته‌های بحق خویش را به گوش دولت‌مردان برسانند؟

گردهم آمدن‌های مختلف و تمرکز در مراکز سرمایه و خیابان‌ها، نشان از نارضایتی انسان‌ها در برابر تعرضات جدید سرمایه است؛ طرح و بیان انقلاب و متعاقباً خواسته‌ی نابودی دولت‌مردان کنونی نماد تمایلات باطنی انسان‌هایی‌ست که دارند در زیر سیاست‌های حاکمان زورگو، له و لورده می‌شوند. فساد و بی‌بند و باری و ازباده کودکان کار خیابانی و ناتوانی در پرداخت قبوض کمرشکن، حکایت از دنیائی دارد که طبقه‌ی سرمایه‌دار برای میلیاردها کارگر و زحمت‌کش جهان ساخته است. حقیقتاً که دنیا در مدتی کوتاه به صحنه‌ی نبرد و رویارویی معترضین با مدافعین ساختار کنونی تبدیل گشته است. یونان، امریکا، ایتالیا، اسپانیا، انگلستان، پرتغال، کانادا، مکزیک و فرانسه و خلاصه همه‌جا و در همه‌ی قاره‌ها، مردم دست در دست هم و در کنار هم قرار گرفته‌اند و یک‌درصد از جامعه یعنی حاکمان و حامیان‌شانرا به مصاف طلبیده‌اند؛ یک‌درصدی که به یمن دم و دستگاه‌های حکومتی و دولتی، مناسبات ظالمانه‌ی خود را به نود و نه درصد از آحاد جامعه تحمیل نموده است و دارد به تبعی آن اعتراضات و خواسته‌های آنانرا قلع و قمع می‌نماید.

معین است که ریشه‌ی چنین اعتراضات و نارضایتی‌ها به وجود اجحافات و درنداری مردم از تهیه‌ی لقمه نان بر می‌گردد و بیش از دو دهه‌ای‌ست که سرمایه به‌گونه‌ای افسار گسیخته به تتمه‌های کارگران و زحمت‌کشان یورش آورده است تا از بحران دائم‌التزایدش بدر آید. قطع خدمات اجتماعی و بیکارسازی‌های بی‌رویه و به‌عبارتی دیگر هدف‌مند سازی پارانه‌ها، زندگی را بر میلیون‌ها انسان تلخ نموده است؛ می‌خواهند با ویرانی هر چه بیشتر زندگی محرومان، سیاست‌های چپاول‌گرایانه‌ی خود را به پیش ببرند. از یک‌سو سرمایه‌ی متقلب، در تقلاست تا از وضع کنونی بدر آید و از دگرسو میلیاردها انسان جهان خواهان ادامه‌ی چنین زندگی نکبت‌باری نیستند. این جدال و نابرابری‌ها را می‌شود در همه‌جا به‌عینه دید. به سر تیترو روزانه‌ی خبرگزاری‌های امپریالیستی تبدیل گشته است. معترضین به وضع کنونی میدان‌های "آرام" و "سکوت" سرمایه را قراق نموده‌اند و با برافراشتن پلاکاردها و شعارهای متفاوت، خواهان تغییر وضعیت کنونی‌اند. مدت‌هاست که منش اعتراض و دخالت در تغییر سرنوشت خودی جای‌گزین روحیه‌ی ترس و بی‌تفاوتی‌ها گردیده است. اعتراضات مردم شمال آفریقا و کنار گذاشتن دیکتاتورها یکی پس از دیگری توسط قدرت‌مداران جهانی به‌منظور جلوگیری از هر چه رادیکالیزه‌تر شدن اعتراضات مردمی و به تبعی آن مخالفت میلیون‌ها انسان در کشورهای متفاوت اروپا، امریکا و غیره، گواهی چنین حقیقتی‌ست که نمی‌توان بیش از این به "آبادانی" هر چه بیشتر زندگی اندکی بسیار قلیل جامعه اندیشید؛

آشکار شده است که نمی‌توان بیش از این و بدون دغدغه سیاست‌های خود را به پیش بُرد و از عکس‌العمل‌های به‌حق و به‌جا مردمی بدور ماند. به کلامی واقعی دنیا در تلاطم و تنش است و آرامی‌های سرمایه در هم ریخته شده است و برآستی که چنین در هم ریخته‌گی‌هایی، بی‌سابقه است.

مردم از دست حاکمان منفعت طلب به تنگ آمده‌اند و زل‌ه‌اند و بی دلیل هم نیست که در خیابان‌ها حضور یافته‌اند؛ حضوری که می‌توان از زمره نقاط قوت و دست‌آورد‌های این‌دوره از اعتراضات مردمی به حساب آورد و طبعاً چنین دست‌آورد‌هایی، غیر قابل کتمان، و فراوان‌اند؛ حضوری که فضای مطلوب دولت‌مردان را در هم ریخته است و بدون کمترین شک و شبهه‌ای با مزاج سرمایه‌داران و سودجویان هم‌خوانی‌ای ندارد؛ اما در مقابل، و در کنار تمامی نتایج بدست آمده و ثمریخش، جنبش‌های اعتراضی حامل نواقض و نارسائی‌هایی‌ست که نمی‌توان نسبت به آن‌ها بی‌توجه بود و یا آن‌ها را به حایشه انداخت.

بدیهی‌ست که اعتراضات جوانان و مردم جهان - و آن‌هم - با هر تعیین و جنسی، به اوضاع نابسامان و وخیم زندگی آنان مربوط می‌گردد. این یکسانی‌ها را می‌توان علی‌رغم انتخاب دو نوع از اشکال اعتراضی به‌عینه مشاهده نمود. به عبارتی و بنابه ده‌ها دلیل نگاه و رویکردهای جنبش‌های اعتراضی کشورهای وابسته و مناطق شمال افریقا با نگاه و رویکرد اعتراضات مردم اروپا، امریکا و کانادا متفاوت است، در حقیقت بدلیل تسلط و تمرکز سرمایه در دست، دست نشانندگان و وابستگان، جنبش‌های اعتراضی منطقه‌ی خاورمیانه و شمال افریقا نشانه‌ی مستقیم‌شان دولت‌مردان و حکومت‌یابان‌اند و به همین دلیل و از همان آغازین، این اعتراضات رنگ سیاسی بخود گرفته و در مقابل، شعارهای محوری و نگاه اعتراضات مردم و جوانان کشورهای اروپا و امریکا به مراکز اقتصادی‌ست. یکی بدرست نشانه‌اش به قدرتهای سیاسی و طبقه‌ی حاکمه است و دیگری نگاه‌اش صرفاً و صرفاً، به مراکز و ساختمان‌های سود و چپاول است؛ بدون این‌که بر این موضوع دقت لازم شود، که بدون حمایت بی‌دریغ و ثانیه‌ای دولت‌هایی همچون اوپاما، سارکوزی، کامرون و غیره، صدها مراکز اقتصادی و سودجو قادر به دوام نیستند؛ مراکزی که اهرم‌های دولتی در زمان تعرض معترضین، سازمانیافته و با هدف‌مندی معین و روشنی به‌میدان آمده و تظاهرکنندگان را به خاک و خون می‌کشاند. ده‌ها نمونه را می‌توان شاهد گرفت و نشان داد که هر زمان اعتراضات مردمی و جوانان، مراکز سود و چپاول را مورد تعرض خویش قرار داده‌اند، چگونه ابزارهای سرکوب به حفظ و حراست از آنان پرداخته‌اند.

برآستی مگر به غیر از این است که رشد و شکوفائی اعتراضات مردمی منوط به گسست از تمامی عناصر وابسته و مرتجع است؟ مگر به غیر از این است که مراکز اقتصادی و چپاول بدون حمایت و پشتیبانی دولت‌مردان کنونی قادر به دوام نیستند؟ مگر به غیر از این است که نشانه گرفتن صرف مراکز اقتصادی و بدون پیوند آن با مبارزه‌ی سیاسی نمی‌توان سخنی از تغییر بنیادی زندگانی میلیون‌ها انسان محروم به‌میان آورد؟ مگر به غیر از این است که یکی بدون دیگری ناکامل می‌باشد؟ و ..

در حقیقت رشد هر جنبش اعتراضی‌ای به پیوند دائمی و روزانه‌ی مفوله‌های آن و مهمتر از همه‌ی این‌ها به هدایت صحیح آن‌ها بر می‌گردد. هم‌چنین باید اذعان نمود که دور زدن و ادامه‌ی حرکت تاکنونی، هم جنبش را فرسوده خواهد کرد و آنرا از شور و شوق خواهد انداخت و هم مجاللی به دولت‌مردان خواهد داد تا جنبش‌های اعتراضی را به مسیر دل‌خواه‌ی خود سوق دهند. به بیانی خصلت جنبش و اعتراضات خیابانی با خصلت جنبش و اعتراضات میادین تولیدی متفاوت است. من‌حیث‌المجموع خطاب جنبش‌های خیابانی حاکمان و دولت‌مردان‌اند و بر همین اساس لازم و ضروری‌ست تا از مبارزه‌ی صرف افشاگرایانه و سمبلیک شفیت نمود و آنرا به مسیر بالاتری سوق داد. این‌ها آن نارسائی‌ها و نواقضی‌ست که بر اعتراضات خیابانی حاکم گردیده است و از یک‌طرف مشاهده است که چگونه اعتراضات به حق مردمی در کشورهایی همچون تونس، مصر و لیبی و غیره به دلیل فقدان رهبری سالم و سازنده دارد توسط عده‌ای دیگر از وابسته‌گان به سرمایه‌های جهانی به سرقت بُرده

می‌شود و از طرف دیگر بدلیل تجمعات طولانی مردم و جوانان در مقابل مراکز اقتصادی، ما شاهد روند رو به جلو اعتراضات مردمی در این‌جا و آن‌جا نباشیم.

خلاصه این‌که پیشرفت هر جنبشی نیازمند سیاست مستقل از جناح‌های رقیب حکومتی - دولتی و باندهای مسلح وابسته به نظام‌های امپریالیستی‌ست. به عبارتی دقیق‌تر جنس و نوع جنبش‌ها را می‌توان از طریق هدایت‌کنندگان آن سنجید و تا زمانی‌که این‌گروه‌های ناصحیح و تا زمانی‌که حاکمیت دار و دسته‌های امپریالیست‌ها و باندهای مسلح و مرتجع از سر جنبش‌های اعتراضی بر چیده نشوند، سرمایه‌همچنان حکمرانی خود را - علی‌رغم بحران فزاینده - به میلیون‌ها انسان رنج‌دیده تحمیل خواهد نمود. امروزه تأکید بر نارسائی‌های اعتراضات مردمی و دوری از اغراق و ذوق‌زدگی می‌تواند تا حدودی ناروشنی‌ها و ناخالصی‌ها را به کنار زند و بر شفافیت جنبش‌های اعتراضی بی‌افزاید. توهمی در آن نیست که ناتو و دولت‌مداران بزرگ جهانی در هیچ قاره و در هیچ جوامع‌ای طرف مردم نیستند و قصد و مقصودشان حفظ و حراست از طبقه‌ی سرمایه‌داری‌ست. به تجربه دریافت شده است که نه ناتو و دولت‌مردان جهانی خواهان رهایی توده‌های محروم منطقه‌ی خاورمیانه و شمال آفریقا از زیر سلطه‌ی رژیم‌های وابسته‌اند و نه مراکز اقتصادی بدون حمایت و پشتیبانی بی‌وقفه‌ی دولت‌هایی همچون اوپاما، کامرون، سارکوزی و غیره قادر به دوام‌اند.

28 اکتبر 2011

6 آبان 1390